

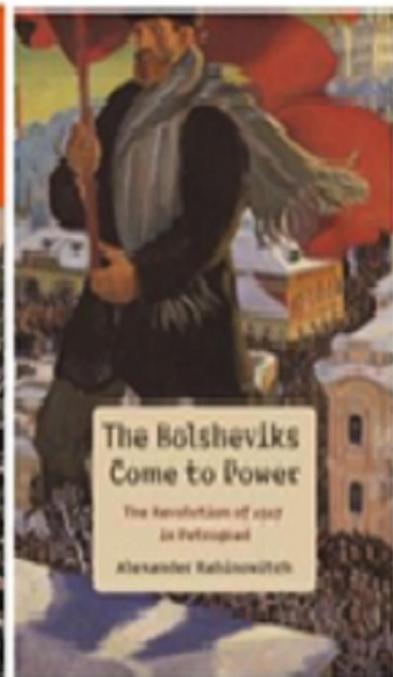
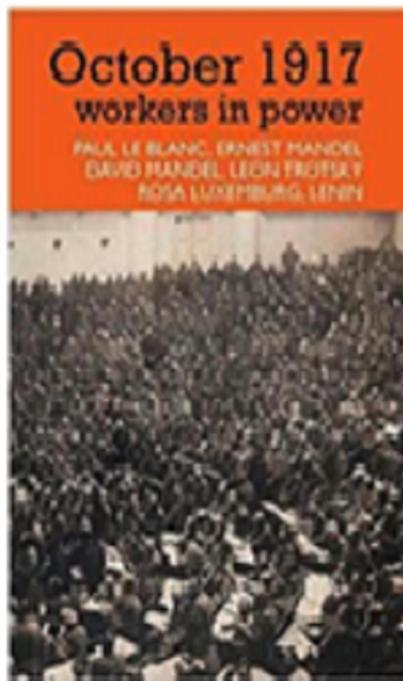
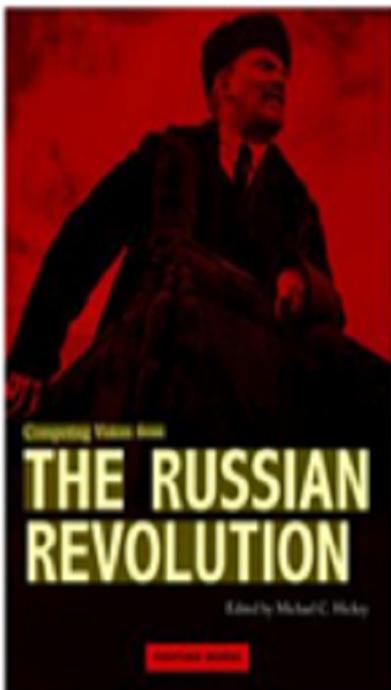


نقد اقتصاد سیاسی - نقد بنواری - نقد ایدئولوژی

انقلاب روسیه: راهنمای مطالعاتی مختصر

فیل گسپر

ترجمه‌ی: بهنام دارایی‌زاده



آذر 1397

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، به رهبری حزب بلشویک ولادیمیر لنین را می‌توان مهم‌ترین رخداد در تاریخ سوسیالیست‌های انقلابی جهان دانست. از یک سو، برای نخستین بار، انقلابی به رهبری طبقه‌ی کارگر موفق شد که قدرت را در تمامی قلمرو یک کشور به دست بگیرد؛ و از سوی دیگر، کوششی بود برای ساختن جامعه‌ی سوسیالیستی بر اساس ایده‌هایی نظیر نظارت و کنترل کارگران و دموکراسی واقعی. برای دوره‌ی کوتاه و پیش از نابودی این تجربه در پی جنگ داخلی، دخالت‌های خارجی و فروپاشی اقتصادی، و از همه مهم‌تر ناکامی در گسترش انقلاب به کشورهای توسعه‌یافته‌ی اقتصادی، این جامعه فقط گوشه‌ی کوچکی بود از آنچه جامعه سوسیالیستی ترسیم می‌کرد. اما این تجربه، قبل از آن که دهه‌ی ۱۹۲۰ پایان گیرد، به تحکیم نوعی دیکتاتوری دیوان‌سالار در شوروی نوبا انجامید. یک دهه بعد نیز تمامی آن دستاوردهای تحسین‌برانگیز نخستین و همه‌ی آن رویاها، رویاهایی که اساس انقلاب را شکل داده بود، فرو ریخت و از میان رفت.

به‌رغم شکست نهایی انقلاب اکتبر، و شاید هم به دلیل همین تجربه‌ی شکست، تمایل به مطالعه‌ی انقلاب اکتبر، به مثابه رخدادی محوری، در میان تمامی سوسیالیست‌های جهان باقی مانده است. مسائلی همچون چگونگی شکل‌گیری انقلاب، موفقیت‌های چشمگیر اولیه‌اش و چرایی شکست نهایی آن، آموزه‌های مهمی هستند که باید در آن‌ها تأمل کرد. یک‌صد سال پس از انقلاب اکتبر، پژوهش‌های عظیمی در این باره انجام شده است. با این حال، هدف از این بررسی بسیار مختصر، صرفاً ارائه‌ی چند نوشته برای مطالعه بیشتر درباره‌ی انقلاب اکتبر و مشخصاً برای آن دسته از خوانندگانی است که شناخت یا آشنایی چندانی با موضوع ندارند.

برای خوانندگانی که تا کنون مطالعه‌ی درباره‌ی انقلاب اکتبر نداشته‌اند؛ نوشته‌ی احمد شوقی^۱ که بیست سال پیش با عنوان *۱۰ سال پس از انقلاب روسیه*^۲ در مجله *International Socialist Review* منتشر شد، شروع بسیار خوبی است. این مقاله مسیر انقلاب روسیه را از ریشه‌های آن در قرن نوزدهم، شکست انقلاب ۱۹۰۵، جنگ جهانی اول، انقلاب فوریه و سقوط تزار تا در نهایت پیروزی انقلاب اکتبر و قدرت‌گیری بلشویک‌ها پی می‌گیرد. برای خوانندگانی هم که مایلند بحث مفصل‌تری را از این دوره‌ی تاریخی دنبال کنند، اما کماکان می‌خواهند مطالعه‌ی سریع و کوتاهی داشته باشند، دو فصل نخست از کتاب تازه منتشرشده‌ی نیل فولکنر^۳ با عنوان *تاریخ مردمی انقلاب روسیه*^۴ (ژانویه ۲۰۱۷) بسیار مفید خواهد بود.

کتاب دیگری که به‌تازگی منتشر شده و توصیه می‌شود، اکتبر ۱۹۱۷، کارگران در قدرت^۵، نوشته پُل لوبلان^۶، ارنست مندل^۷ و دیوید مندل^۸ است (نوامبر ۲۰۱۶). هرچند این کتاب را نمی‌توان یک تاریخ‌روایی از کل انقلاب روسیه به شمار آورد، اما دربرگیرنده‌ی روزشمار و مرور کوتاهی از رخدادهای آن دوران است. علاوه بر این، فهرست اصطلاح‌ها یا واژه‌نامه‌ای هم از شخصیت‌ها، مکان‌ها، رخدادها و سازمان‌های فعال در آن دوره معرفی می‌کند که بسیار کارآمد خواهد بود. در واقع این کتاب، مجموعه‌ای است که برخی از مهم‌ترین مسائل آن دوران را ارزیابی می‌کند. از جمله موضوع‌هایی که در این کتاب بحث می‌شود، بررسی این پرسش است که آیا کسب قدرت در روسیه، کودتا بوده یا چیزی بیش از آن. همچنین به نقش کمیته‌های کارگری کارخانه‌ها در جریان انقلاب نیز اشاره شده است. در این مجموعه، نوشته‌های رزا لوکزامبورگ، انقلابی لهستانی - آلمانی نیز آمده است که معمولاً به خطا به‌عنوان مخالف انقلاب اکتبر معرفی می‌شود. در حالی که لوکزامبورگ را باید حامی منتقد لنین و تروتسکی به شمار آورد.

صداهای رقیب از انقلاب روسیه^۹، نوشته‌ی مایکل سی‌هایکی^{۱۰} (چاپ اول: دسامبر ۲۰۱۰) نیز مجموعه‌ای جالب‌توجه از اسناد اصلی انقلاب، به انضمام موضع‌گیری‌های بسیاری از شخصیت‌های درگیر و افرادی است که هر یک به‌نوعی پی‌گیر این رخداد بوده‌اند: از مقام‌های دولتی و رهبران احزاب سیاسی گرفته تا مردان و زنان عادی که پشت صحنه حضور داشته‌اند و در کارخانه‌ها یا دفاتر اداری و ارتش کار می‌کرده‌اند. برای درک تصویری انقلاب روسیه، می‌توان به چند مجموعه مراجعه کرد که از سوی دیوید کینگ^{۱۱} گردآوری شده‌اند؛ دو مجموعه با نام‌های *ستاره سرخ بر فراز روسیه، تاریخ تصویری اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۱۷ تا مرگ استالین*^{۱۲} و نیز مجموعه‌عکس دیگری با عنوان *تروتسکی، یک بیوگرافی تصویری*^{۱۳} (چاپ اول: نوامبر ۱۹۸۶).

بی‌تردید اما مهم‌ترین اثر درباره‌ی انقلاب اکتبر، کتاب تروتسکی با عنوان *تاریخ انقلاب روسیه*¹⁴ است. این کتاب در سال ۱۹۳۰ نوشته شد و برای نخستین بار در ۱۹۳۲ به انگلیسی برگردانده شد. اما در واقع، روایت تروتسکی از انقلاب روسیه، تأییدی است بر این سخن که انقلاب اکتبر، بزرگ‌ترین و یگانه‌ترین کار در تاریخ مارکسیستی جهان است. کتاب تروتسکی در اصل در سه جلد و بیش از ۹۰۰ صفحه منتشر شده است. بنابراین مطالعه‌اش کار چندان ساده‌ای نیست و تلاشی جدی می‌خواهد. با این حال، به نظر می‌رسد که هر سوسیالیستی، بنا به هر ملاحظه‌ای که دارد باید روزی وقت بگذارد و این کتاب را بخواند. تروتسکی یک نویسنده صاحب‌سبک بی‌نظیر بود. این اثر به‌رغم آن که حالا دیگر می‌دانیم نتیجه‌ی این انقلاب چه شده است، همچنان کشش زیادی دارد و بسیار گیرا است. واقعیت این است که در میان آثار تاریخی، کتاب‌های کم‌شماری را می‌توان با آن مقایسه کرد. تروتسکی و لنین، از چهره‌های برجسته و رهبر رخ‌دادهایی هستند که در نهایت به انقلاب اکتبر منجر شد. هر چند تروتسکی در مقدمه‌ی کتابش تصریح می‌کند که این اثر به‌هیچ‌وجه و در هیچ سطحی بر پایه‌ی بازخوانی خاطرات شخصی او گردآوری نشده و مبتنی بر مستندات تاریخی تأیید شده است، اما پنهان نمی‌توان کرد که تروتسکی آگاهی‌ها و برداشت‌های شخصی‌اش را در روایت از انقلاب اکتبر وارد کرده است. اما با وجود این، تروتسکی در این کتاب موفق می‌شود که درک عمیق نظری خود را با توانایی پیوند زدن رخ‌دادهای مختلف در هم بیامیزد. گستره‌ای که از تغییرات تاریخی درازمدت تا تکاپوهای کوچک اعتراض‌های خیابانی را نیز در بر می‌گیرد. نمونه‌ای از این روایت را می‌توان در شرح و توصیفی که او از تظاهرات ۲۴ فوریه (نهم مارس در تقویم فعلی)، در دومین روز قیامی که به سقوط تزار انجامید، ملاحظه کرد:

کارگران اریکسون¹⁵، یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های منطقه ویبورگ¹⁶، بعد از جلسه‌ای که صبح همان روز داشتند در سامپونیسکی¹⁷ گرد آمدند. جمعیت به ۲۵۰۰ نفر می‌رسید؛ در باریکه‌راهی کارگران با نیروهای قزاق مواجه شدند. ابتدا افسران قزاق با سینه‌های اسب‌هایشان به دل جمعیت کارگران می‌تاختند و راه خود را باز می‌کردند؛ به دنبال آن‌ها سواران قزاق نیز که پهنه‌ی منطقه را در بر گرفته بودند چهارنعل به پیش تاختند. لحظه‌ای سرنوشت‌ساز بود. سواران از دالانی طولانی که افسران ساخته بودند با احتیاط عبور می‌کردند. کاخاروف¹⁸، یکی از رهبران بلشویک منطقه‌ی ویبورگ، تعریف می‌کند که در آن هنگام، برخی از قزاق‌ها لبخند می‌زدند. حتی یکی از آن‌ها چشمکی دوستانه هم به کارگران می‌زد. این چشمک بی‌معنا نبود. کارگران اطمینان و قوت‌قلبی، البته دوستانه و نه خصمانه، گرفتند و به هیجان درآمدند. این احساس‌ها تا اندازه‌ای به سواران قزاق نیز سرایت کرد و آن‌ها را هم تحت‌تأثیر قرار داد. پس از آن به‌تدریج سایر قزاق‌ها نیز به یکدیگر چشمک زدند. به‌رغم تلاش دوباره‌ی افسرها، قزاق‌ها بی‌اختیار از فرمان نظامی تمرد کردند و بدون آن‌که جمعیت کارگران را متفرق کنند، فقط همانند رودی از میان آن‌ها گذشتند. این داستان، سه یا چهار بار تکرار شد و به این ترتیب دو طرف ماجرا به یکدیگر نزدیک‌تر شدند. بعد از آن، قزاق‌ها هر یک به پرسش‌های کارگران پاسخ می‌دادند. حتی برخی از آن‌ها با کارگران گفت‌وگو می‌کردند. از اصول و ضوابط نظامی، تنها پوسته‌ای نازک باقی مانده بود که هر لحظه ممکن بود پاره شود و به کل از بین برود.

افزون بر این، کتاب تروتسکی، پیوسته ماهیت یا چیستی تحول تاریخی را نشان می‌دهد. این که چگونه شرایط تاریخی، وضعیت افراد را شکل می‌دهد؛ چگونه ممکن است در پی انباشت یا کنار هم قرار گرفتن نوسان‌هایی کوچک در بطن جامعه، رخدادها و گسست‌های بزرگ تاریخی رخ دهد و در نهایت چگونه در مقاطع دشوار و سرنوشت‌ساز، هم عاملیت و کنش جمعی و هم گزینش‌های شخصی، می‌توانند نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند. در این اثر، تروتسکی مسئله‌ی عقب‌ماندگی‌های اقتصادی روسیه را نیز بررسی کرده است و مختصات و توسعه‌ی ناهمگون کشور را از منظر ورود فن‌آوری و سرمایه از غرب توضیح می‌دهد. تأثیر جنگ جهانی اول، انقلاب فوریه، فروپاشی تزاریسیم، رقابت بر سر قدرت میان دولت موقت و شوراهای کارگری و در نهایت، چیرگی شوراهای کارگری در ماه اکتبر، از دیگر موضوع‌هایی است که تروتسکی در این کتاب ارزیابی می‌کند. اما در این کتاب، خیلی بر انقلاب شکست‌خورده ۱۹۰۵ متمرکز نمی‌شود؛ چرا که آن را پیش‌تر در کتاب قبلی‌اش با عنوان ۱۹۰۵ بررسی کرده بود. تروتسکی آن کتاب را کمی بعد از آن که لنین، انقلاب ۱۹۰۵ را «واپسین تمرین» برای انقلاب اکتبر خوانده بود منتشر کرد؛ در هنگامه‌ای که دیگر کار آن انقلاب پایان گرفته بود.

روایت شاهدان عینی

روایت‌های پُرشماری از شاهدان عینی انقلاب اکتبر در دست است؛ اما برجسته‌ترین آن‌ها را باید کتاب جان رید¹⁹، روزنامه‌نگار رادیکال آمریکایی و فعال سوسیالیست دانست. کتاب رید با عنوان *ده روزی که جهان را لرزاند*²⁰ اولین بار در ۱۹۱۹ منتشر شد. در جریان انقلاب، جان رید در پتروگراد حضور داشت و گزارش‌هایی زنده و لحظه به لحظه‌ای از وقایع در روزهای پیش و پس از به دست گرفتن قدرت، تهیه کرده است. استالین دل خوشی از این کتاب نداشت؛ چرا که در آن به‌ندرت از او یاد شده بود. جان رید، به درستی، چهره‌های اصلی انقلاب و رهبری آن را لنین و تروتسکی معرفی کرده است. خود لنین مقدمه‌ی کوتاهی نیز بر این کتاب نوشته و مطالعه‌ی آن را به تمامی کارگران جهان توصیه کرده است. لنین در مقدمه، کتاب رید را به سبب شرح روایتی صادقانه و زنده از مهم‌ترین رخداد‌های انقلاب ستوده است.

*شش ماه سرخ در روسیه*²¹، نوشته‌ی لوئیس بریانت²²، روزنامه‌نگار آمریکایی، یکی دیگر از مجموعه نوشته‌های شاهدان عینی انقلاب است. در زمان انتشار کتاب، بریانت همسر جان رید بود و با او همکاری می‌کرد. کتاب بریانت، اکتبر ۱۹۱۸، چند ماه پیش از چاپ کتاب رید منتشر شد. دلیل این تأخیر این بود که نوشته‌های رید، هنگام بازگشت به ایالات متحده، برای مدتی از سوی مقامات آمریکایی توقیف شدند. بریانت در کتابش با زنان پیشروی انقلابی روسیه در آن زمان گفت‌وگو کرده است، از جمله ماریا اسپیریدونووا²³، عضو تشکیلات سوسیالیست‌های انقلابی چپ²⁴ و نیز الکساندرا کولونتای²⁵ بلشویک و تنها زن عضو کابینه‌ی لنین.

سرژی متیسلاوسکی²⁶، یکی از اعضای سوسیالیست‌های انقلابی چپ بود که نقش فعالی نیز در جریان انقلاب فوریه و نیز انقلاب اکتبر داشت. او نیز روایت‌های خود را از انقلاب اکتبر گردآوری کرده است که در ۱۹۱۸ با نام *پنج روزی که روسیه را متحول کرد*²⁷ به انگلیسی منتشر شد. در «پنج روز» (که «روز» اولش در واقع شامل سه شبانه‌روز است)، نویسنده بر پنج روی‌داد متمرکز می‌شود؛ خیزش فوریه (۲۷ فوریه تا اول مارس)، تشکیل دولت موقت (سوم مارس)، دستگیری نیکلای دوم، تزار روسیه، (نهم مارس)، روز پیروزی انقلاب (۲۵ اکتبر)، که خود نویسنده نیز شخصاً در آن‌ها شرکت داشت؛ و در نهایت روز تشکیل مجلس موسسان (پنجم ژانویه ۱۹۱۸).

کتاب دیگری از مجموعه شاهدان عینی، نوشته‌ی مورگان فیلیپس²⁸ بریتانیایی است. فیلیپس متعلق به خانواده‌ای به‌اصطلاح «طبقه بالا» بود؛ اما به سبب مخالفتش با جنگ جهانی اول، گرایش چپ پیدا کرده و خبرنگار جنگ شده بود. او در دوران قبل از انقلاب اکتبر، در جریان آن و البته بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، در ۲۵ اکتبر، در روسیه حضور داشت. مورگان به لحاظ احساسی و نظری خیلی زود به بلشویک‌ها نزدیک شد. به همین دلیل هم گزارش‌هایی که آن هنگام برای *منچستر گاردین*²⁹ می‌نوشت، در بیش‌تر مواقع یا به شدت سانسور، یا کاملاً کنار گذاشته می‌شدند. مورگان فیلیپس، بعدها از جناح چپ حزب کارگر نماینده‌ی پارلمان بریتانیا شد. مدت‌ها بعد از مرگ فیلیپس در ۱۹۷۳، سرانجام مجموعه‌ای از گزارش‌های دست اول او با نام *یادداشت‌های مخابره‌شده از انقلاب؛ روسیه ۱۹۱۸-۱۹۱۶* منتشر شد. مورگان در زمان حضور در روسیه سفرهای فراوانی به نقاط مختلف این کشور می‌کرد. از این روی، یادداشت‌های او راهنمای خوبی است تا بدانیم در آن مقطع، در خارج از پتروگراد و مسکو چه رخ داده است. مورگان رساله‌ی کوتاهی نیز با نام *اروپای سرمایه‌دار و روسیه‌ی سوسیالیست*³⁰ دارد که در سال ۱۹۱۹ توسط حزب سوسیالیست بریتانیا منتشر شد. نسخه‌ی آنلاین این رساله، هم‌اکنون در بخش آرشیو وبسایت *marxists.org* در دسترس است.

اثر دیگری از همین مجموعه روایت‌های دست اول انقلاب، کتابی است با نام *انقلاب ۱۹۱۷ روسیه؛ یک برداشت شخصی*³¹ نوشته‌ی ساخانوف.³² ساخانوف، عضو منشویک‌های انترناسیونال³³ و نیز از مؤسسان کمیته‌ی اجرایی شورای پتروگراد³⁴ بود. بسیاری از تاریخ‌پژوهانی که این دوره‌ی زمانی را بررسی کرده‌اند، از جمله تروتسکی، از کتاب ساخانوف به عنوان منبع استفاده کرده‌اند.

لنین و بلشویک‌ها

سوسیالیست‌ها باید نقش محوری بلشویک‌ها را در جریان انقلاب اکتبر به دقت بازبینی کنند. از این منظر، جلد دوم زندگی‌نامه‌ی لنین، نوشته‌ی تونی کلیف³⁵، با عنوان تمامی قدرت به دست شورا، لنین ۱۹۱۷-۱۹۱۴³⁶ یک بررسی اجمالی اما خواندنی محسوب می‌شود. گرچه زمانی که انقلاب فوریه آغاز شد، مبارزان بلشویک نقش مهمی در سطح محلی ایفا می‌کردند، اما باز هم این رخداد برای تمامی احزاب فعال در آن زمان، پیش‌بینی نشده و غافل‌گیرکننده بود. ظرف مدت کوتاهی پس از انقلاب فوریه، رهبران بلشویک همانند لئو کامنف و استالین به پتروگراد بازگشتند؛ اما خط و مشی روشنی در دست نبود و از دولت موقت هم، هرچند انتقادی، اما در نهایت حمایت و پشتیبانی می‌شد. تنها پس از بازگشت لنین در ماه آوریل بود که شعار «تمامی قدرت به دست شوراها»، به شعار اصلی بلشویک‌ها تبدیل شد.

هرچند بی‌هیچ بحثی، لنین رهبر بلشویک‌ها محسوب می‌شد، اما با این حال، باز هم خیلی بعید به نظر می‌آمد که لنین بخواهد برنامه‌ها یا سیاست‌های شخصی‌اش را به سایر اعضای حزب تحمیل کند. درباره‌ی تعیین دستورکار هم پیش از انقلاب و هم بعد از آن، بحث‌های تندی درون خود حزب در جریان بود و اساساً هرگز روال بر این نبود که مثلاً همیشه حرف لنین به کرسی بنشیند. الکساندر رابینوویچ³⁷ در کتاب خود با عنوان بلشویک‌ها به قدرت می‌رسند؛ انقلاب ۱۹۱۷ در پتروگراد³⁸، تصویر و روایتی چشمگیر از ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اکتبر ارائه می‌کند. او در این کتاب نشان می‌دهد که بلشویک‌ها، به‌هیچ‌وجه جریان‌ی یک‌دست و یک‌پارچه نبوده‌اند. اختلاف نظر و جدل‌های درون حزبی، جزئی محوری از فرایند تصمیم‌گیری و روش کاری بلشویک‌ها بوده است. به نظر می‌رسد که کتاب رابینوویچ، دقیق‌ترین جزئیات را از نقش بلشویک‌ها (از رده‌های بالایی حزب تا پایین‌ترین رده)، در ماه‌های منتهی به انقلاب اکتبر ترسیم کرده است.

تروتسکی کتاب مختصری دارد با نام درس‌های اکتبر³⁹ که خواندن آن ضروری است؛ این کتاب که در ۱۹۲۴ و کمی بعد از مرگ لنین نوشته شده که در واقع بخشی از بحث‌های سیاسی علیه جمع سه‌نفره‌ی استالین، زینوویف و کامنوف است، شخصیت‌هایی که در آن هنگام، رهبران حزب کمونیست شوروی بودند (بلشویک‌ها در ۱۹۱۸ نام حزب را عوض کردند). کتاب تروتسکی، در واقع علیه تلاش‌های این گروه سه نفره است که می‌کوشیدند خود را حافظان سنت تخطی‌ناپذیر لنینیسم جا بزنند. تروتسکی در این کتاب با هدف نشان دادن اشتباه‌های رهبران بلشویک و مشخصاً این جمع سه نفره، درس‌های حقیقی انقلاب اکتبر را تحلیل می‌کند. او می‌نویسد: «روند حوادث نشان داده است که بدون وجود حزبی که قادر باشد هدایت یک انقلاب پرولتری را در دست گیرد؛ خود "انقلاب" هم ناممکن می‌شود.» با این همه، تروتسکی اذعان دارد که در یک شرایط انقلابی، قاعده تقریباً خدشه‌ناپذیری حاکم است که بر اساس آن، یک حزب سیاسی در دوره‌ی گذار از فعالیت‌های اولیه‌ی انقلابی ابتدایی به دوران رقابت بر سر قدرت، دچار بحران می‌شود، بحرانی که نمی‌توان از آن اجتناب کرد.

یادداشت‌های لنین از زمان بازگشت به روسیه تا ژوئیه ۱۹۱۸ در مجلدهای ۲۴ تا ۲۷ مجموعه آثار⁴⁰ او آمده است که می‌توان نکات قابل توجهی در آن‌ها یافت. اما عمده آثار اصلی لنین عبارتند از: تره‌های آوریل⁴¹، وظایف پرولتاریا در انقلاب ما⁴²، جنگ و انقلاب⁴³، بلشویک‌ها باید قدرت را در دست گیرند⁴⁴، آیا بلشویک‌ها می‌توانند قدرت دولتی را حفظ کنند؟⁴⁵، وظایف فوری دولت شورایی⁴⁶، چپ‌روی کودکانه و ذهنیت خرده‌بورژوازی⁴⁷، تره‌هایی برای موقعیت سیاسی کنونی⁴⁸.

علاوه بر این‌ها می‌توان به دو کتاب مهم دیگر نیز اشاره کرد که عملکرد سیاسی لنین و تاریخ بلشویک‌ها را بررسی می‌کند: کتاب لنین و حزب انقلابی⁴⁹ (چاپ اول: ۱۹۹۰) اثر «پُل لوبلان»⁵⁰ و دیگری کتابی با نام لنینیسم از دریچه لنین⁵¹ (۱۹۷۵) نوشته‌ی مارسل لیبن⁵². در این دو کتاب چندین فصل به نقش حزب در جریان انقلاب اکتبر اختصاص یافته است. برای آن دسته از خواندگانی که شک دارند یا هنوز برایشان سؤال است که چگونه این تاریخ، به وضعیت و شرایط امروز ما مرتبط است؛ خواندن لنینیسم بی‌پایان، ظهور و بازگشت دکترین انقلاب⁵³ (چاپ اول: ۲۰۱۴)، نوشته پُل لوبلان توصیه می‌شود.

طبقه‌ی کارگر و انقلاب از پایین

تاریخ‌پژوهان معاصر، بر نقش فعال کارگران در جریان انقلاب اکتبر مطالعات چشم‌گیری ارائه داده‌اند؛ استیو اسمیت⁵⁴ در کتاب خود با نام *پتروگراد سرخ: انقلاب در کارخانه‌ها، 1917-1918*⁵⁵ تلاش‌های کارگران را برای به‌دست گرفتن کنترل کارخانه‌ها در فاصله‌ی زمانی انقلاب فوریه تا نیمه‌های سال ۱۹۱۸ بررسی می‌کند. در همین زمینه، دو جلد از آثار دیوید مندل⁵⁶ نیز مهم‌اند: *کارگران پتروگراد و سقوط رژیم سابق: از انقلاب فوریه تا روزهای ژوئیه ۱۹۱۷*⁵⁷ (چاپ اول: ۱۹۸۳) و دیگری، *کارگران پتروگراد و تصاحب قدرت شور: از ۱۹۱۷ تا ژوئیه ۱۹۱۸*⁵⁸ (چاپ اول: ۱۹۸۴). این سه کتاب، مُعرف بحث‌های درونی و نیز ابتکار عمل طبقه‌ی کارگر پتروگراد در جریان انقلاب است.

پژوهش اسمیت در رساله‌ای با عنوان *پتروگراد در ۱۹۱۷، از نگاه فرودستان*⁵⁹ نیز خلاصه شده است. نسخه‌ای دیگر از این اثر که دانیل اچ. کیسر⁶⁰، آن را ویرایش کرده، علاوه بر مباحث یادشده، شامل مقالاتی نیز درباره‌ی وضعیت کارگران مسکو می‌شود. در واقع، پژوهش اسمیت، پاسخی قاطع است به این افسانه‌سرای که بلشویک‌ها برای آن که بتوانند حمایت طبقه‌ی کارگر را جلب کنند، به هر دروغ و فریبی روی آورده‌اند. به باور اسمیت:

شور و هیجان و تشکیلات سازمانی بلشویک‌ها نقشی محوری در رادیکال شدن توده‌ها داشت. با این حال، این بلشویک‌ها نبودند که ناراضی‌های عمومی یا احساس انقلابی را در جامعه ایجاد کردند. بلکه این وضعیت برآمده از تجربه‌ی خود توده‌ها و تجربه‌ی آنان از تحولات پیچیده‌ی اقتصادی و اجتماعی و نیز رخدادهای سیاسی بود. در واقع، مشارکت بلشویک‌ها بیش‌تر حول شکل دادن به درک کارگران از پویای اجتماعی انقلاب و نیز پرورش آگاهی از ارتباط معضلات عاجل زندگی روزمره با نظام اجتماعی و سیاسی گسترده‌تر بود. دلیل حمایت از بلشویک‌ها این بود که تجزیه و تحلیل‌ها و راه‌حل‌هایی که ارائه می‌دادند، منطقی به نظر می‌رسید. در سپتامبر ۱۹۱۷ یکی از کارگران صنایع نظامی اورودینی، در جایی که بلشویک‌ها حتی اجازه‌ی صحبت کردن هم نداشتند، گفته بود: «بلشویک‌ها همواره می‌گویند این ما نیستیم که شما را متقاعد خواهیم کرد؛ بلکه این زندگی است که شما را قانع خواهد کرد. اکنون بلشویک‌ها پیروز شده‌اند. چرا که گذر زندگی ثابت کرد که چه روش‌های درست بوده است.»

در ادامه برای مطالعه‌ی نقش برجسته‌ی زنان در جریان انقلاب روسیه، کتاب *ماماهای انقلاب: زنان بلشویک و کارگران زن در ۱۹۱۷*⁶¹، نوشته‌ی جین مک‌درمید⁶² و آنا هیلبار⁶³ (چاپ اول: ۱۹۹۹)، بسیار راهگشاست. این کتاب سه موضوع اصلی را بررسی می‌کند: جایگاه زنان پیش از انقلاب روسیه، فعالیت‌های زنان پیشگام انقلاب، مانند نادژدا کروپسکایا⁶⁴ و الکساندرا کولونتای⁶⁵ و نیز نقش حساسی که زنان کارگر در جریان انقلاب در پتروگراد ۱۹۱۷ بر عهده داشتند.

دستاوردهای انقلاب

پیروزی بلشویک‌ها در اکتبر ۱۹۱۷، با موجی از حرکت‌های اصلاحی رادیکال در روزها و هفته‌ها و ماه‌های بعدی همراه بود. دولت جدید اعلام کرد که قصد دارد روسیه را بی‌درنگ از جنگ خارج کند. مصادره‌ی زمین‌ها از سوی دهقانان و نیز تصرف و کنترل کارخانه‌ها از سوی کارگران قانونی اعلام شد. علاوه بر این، اعلام شد که مسئولان دولتی فقط به اندازه متوسط درآمد یک کارگر ماهر صنعتی می‌توانند حقوق دریافت کنند.

مجازات اعدام در ارتش لغو شد. (پیش‌تر مجازات اعدام در جرائم عمومی، بعد از انقلاب فوریه برچیده شده بود.) آزادی مذهب به رسمیت شناخته شد. (اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی قانونی علیه یهودیان پایان گرفت.) دولت و نظام آموزشی از کلیسا جدا شدند و خدمات آموزشی رایگان شد و پس از آن، کارزاری عظیم علیه بی‌سوادی در روسیه آغاز شد. برای مطالعه کارزار بزرگ سوادآموزی در روسیه،

می‌توانید به مقاله‌ی مگان بهرنت⁶⁶ با عنوان *آموزش، سوادآموزی و انقلاب روسیه*، شماره‌ی ۸۲ نشریه‌ی ISR (مارس و آوریل ۲۰۱۲)، مراجعه کنید.

تمامی ضوابط و مقررات پیشین که به سرکوب زنان می‌انجامید برچیده شدند. دستمزد برابر زنان با مردان قانونی شد. حق طلاق برای هر دو طرف به رسمیت شناخته شد. به این معنا که رابطه‌ی ازدواج می‌تواند به درخواست هر یک از دو طرف تمام شود. کودکانی که در خارج از روابط رسمی ازدواج به دنیا می‌آمدند، از حقوق برابر با سایر کودکان برخوردار شدند. تمامی قوانین محدودکننده‌ی سقط جنین هم لغو شد. مراکزی با بودجه دولتی به منظور مراقبت از زنان در دوره‌ی بارداری و خدمات پرستاری رایگان تأسیس شدند. علاوه بر این، واحدهایی نیز با نام اداره‌ی زنان در سراسر کشور تشکیل شد که هدفشان گردهمایی زنان در کنار یکدیگر به منظور ایفای نقشی فعال‌تر برای تغییر در جامعه بود. برای مطالعه مسائل فرهنگی، می‌توانید به بخش اول از *جنگ رویاهای بلشویک، مرحله‌ی اول انقلاب فرهنگی در روسیه شورایی*⁶⁸ مراجعه کنید. این مجموعه به کوشش ویلیام روزنبرگ⁶⁹ تهیه شده است. در این مجموعه، یادداشت‌هایی از کولونتای، تروتسکی و افراد دیگری که در جریان انقلاب شرکت داشته‌اند با نام *فرهنگ جامعه‌ی نوین: اقلیت‌ها، جنسیت، خانواده، قانون و مسئله‌ی سنت*⁷⁰ گردآوری شده است. برای مطالعه بیشتر در حوزه‌ی مسائل فرهنگی، این کتاب‌ها نیز توصیه می‌شود: *زنان، دولت و انقلاب: سیاست خانواده دولت شورایی و زندگی اجتماعی*⁷¹ (۱۹۳۶-۱۹۱۷) اثر وندی گولدمن⁷² و نیز کتاب *پدر و رفیق: جنسیت و سیاست در روسیه‌ی انقلابی*⁷³ نوشته‌ی الیزابت ای وود⁷⁴ (چاپ نخست: ۲۰۰۰).

پس از پیروزی بلشویک‌ها، تمامی مواد قانونی که موضوع آن‌ها روابط جنسی افراد بود از متن قانون مجازات روسیه حذف شد. از ۱۹۲۳ رابطه‌ی همجنس‌گرایانه دیگر جرم محسوب نمی‌شد. دکتر گریگوری بت‌کیس⁷⁵، مدیر انستیتو سلامت جنسی مسکو⁷⁶، رویکرد جدید دولت شوروی را چنین توصیف می‌کند:

«تا هنگامی که پای حقوق و مصالح شخصی افراد در میان نباشد، رژیم حقوقی شوروی، سیاست عدم‌دخال مطلق دولت و جامعه را در مسائل جنسی افراد اعلام می‌کند. همجنس‌گرایی، لواط و سایر انواع لذت‌های جنسی که در کشورهای اروپایی جرمی مغایر با اخلاق عمومی تلقی می‌شدند، در مقررات جدید شوروی، صرفاً رابطه‌ی جنسی طبیعی تلقی می‌شود.»

پژوهش‌های دن هیلی⁷⁷ درباره تجربه‌ی مردان و زنان همجنس‌گرای روسیه در پیش از انقلاب و پس از آن است. او نتیجه‌ی پژوهش‌های خود را در کتابی با عنوان *گرایش‌های همجنس‌گرایانه در روسیه‌ی انقلابی*⁷⁸ (چاپ اول: ۲۰۰۱) منتشر کرده است.

تکاپوی جامعه‌ی نوین، خود را در افزایش چشمگیر فعالیت‌های فرهنگی نشان می‌داد و تلاش‌های هنری در حوزه‌های هنرهای تجسمی، نمایش‌نامه‌نویسی، فیلم‌سازی و ادبیات به ثمر نشست. جنبه‌هایی از این شکوفایی هنری را می‌توان در آثار ویکتور سرژ⁷⁹ پی گرفت. سرژ آنارشویست - سندیکالیست بلژیکی بود. او پس از انقلاب اکتبر، خیلی زود به بلشویک‌ها پیوست. یکی از آثار برجسته او، کتابی است با نام *سال اول انقلاب روسیه*⁸⁰ که برای اولین بار در ۱۹۳۰ منتشر شد. او در این کتاب، روایتی دقیق از دوازده ماه اول انقلاب اکتبر ارائه داده است.

عطش و اشتیاق جمعی برای کسب دانش، در سراسر کشور به تأسیس مدرسه‌های جدید، دوره‌های آموزشی مخصوص بزرگسالان، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های کارگری انجامید. طرح‌ها و برنامه‌های جدید بی‌شماری ارائه شدند که راه را برای آموزش در رشته‌های کاملاً ناشناخته و نوین باز می‌کردند. در این دوران، موزه‌ها نیز به‌واسطه‌ی مصادره‌ی مجموعه‌های خصوصی غنی شدند و از این دارایی‌های هنری سلب مالکیت‌شده به‌دقت نگهداری و حفاظت می‌شد، به‌گونه‌ای که هیچ اثری، با هر میزان ارزش، از دست نرفت یا گم نشد.

بخش دوم جنگ رویاهای بلشویک، به کوشش ویلیام جی روزنبرگ⁸¹، که پیش‌تر هم به آن اشاره شد؛ خلق شکل‌های هنری شوروی⁸² نام دارد. این مجموعه بیشتر بر هنر، معماری، موسیقی، فیلم و آنچه وظایف جدید آموزش نام گرفته است، تمرکز دارد. برای مطالعه‌ی این حوزه‌ها — در انقلاب اکتبر — می‌توانید به کتاب ابوت تام گلیسون⁸³، با عنوان فرهنگ بلشویک: آزمون و سفارش در انقلاب روسیه⁸⁴ مراجعه کنید. علاوه بر این‌ها، برای آشنایی با نمونه‌هایی از هنر روسیه، کتاب انقلاب: هنر روسیه از ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۲، اثر مشترک جان میلنر⁸⁵ و جمعی از نویسندگان دیگر در سال ۲۰۱۷ چاپ شد که همراه با نمایشگاهی یک‌ساله در بریتانیا عرضه شد (چاپ اول: آوریل ۲۰۱۷). همچنین مجموعه‌ی تصویری بسیار ارزشمندی نیز با نام پوست‌های انقلابی روسیه: از جنگ داخلی تا رئالیسم سوسیالیستی، از بلشویسم تا پایان استالینسیم⁸⁶ (چاپ اول: ۲۰۱۲) به چاپ رسیده که دیوید کینگ⁸⁷ آن را گردآوری کرده است.

مسئله‌ی ملی

امپراتوری روسیه را می‌توان به عمارتی بزرگ تشبیه کرد که ملت‌های بسیاری را در خود جا داده بود. لنین در سلسله یادداشت‌هایی که هنگام جنگ جهانی اول و نیز پیش از آن نوشت به مسئله‌ی ملی پرداخت. از جمله این متن‌ها می‌توان به تریاهی درباره مسئله‌ی ملی (۱۹۱۳)⁸⁸، ملاحظاتی انتقادی درباره‌ی مسئله‌ی ملی (۱۹۱۳)⁸⁹، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها (۱۹۱۴)⁹⁰، پرولتاریای انقلابی و حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت (۱۹۱۵)⁹¹ اشاره کرد. لنین در این یادداشت‌ها، بر این نکته تأکید می‌کند که در کشورهای سلطه‌گر⁹²، سوسیالیست‌ها باید بدون هیچ لکنتی از حق تعیین سرنوشت ملت‌های تحت‌ستم دفاع کنند؛ در حالی که در چارچوب ملت‌هایی که خودشان زیر سلطه‌اند⁹³، سوسیالیست‌ها باید از ضرورت همبستگی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر صحبت کنند.

این اصول پس از انقلاب اکتبر در عمل در دستور کار قرار گرفت. امپراتوری قدیمی روسیه جای خود را به اتحاد جمهوری‌های سوسیالیستی شورایی داد و ملت‌های تشکیل‌دهنده آن هم از حق تعیین سرنوشت برخوردار شدند. در همین راستا، تلاش‌هایی ویژه در راستای پیروزی و رهایی ملت‌های زیرسلطه انجام گرفت. در پیوند با مسئله‌ی ملی، به طور مشخص دو جلد از کتاب‌های جان ریدل⁹⁴ پیشنهاد می‌شود. کتاب اول، با عنوان دیدن سپیده‌دم: باکو، ۱۹۲۰ کنگره‌ی اول خلق‌های شرق⁹⁵ (چاپ اول: ۱۹۹۳) است و کتاب دوم نیز در واقع مجموعه‌ای است با عنوان کارگران جهان، خلق‌های زیر ستم، متحد شوید! صورت‌جلسات و اسناد کنگره‌ی دوم بین‌الملل کمونیستی، ۱۹۲۰⁹⁶. برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی مسئله‌ی ملی، کتاب جرمی اسمیت⁹⁷، با عنوان بلشویک‌ها و مسئله‌ی ملی⁹⁸ (چاپ اول: ۱۹۹۹) نیز راهنمایی کاربردی است. همچنین می‌توانید به مقاله‌ای از اریک بلان⁹⁹، با عنوان مارکسیسم ضدامپریالیسم¹⁰⁰ در شماره‌ی ۱۰۰ نشریه‌ی ISR (بهار ۲۰۱۶) مراجعه کنید.

انقلاب چگونه از دست رفت؟

دستاوردهای ماه‌ها و سال‌های نخست انقلاب اکتبر بسیار چشمگیرند. با این حال، دولت بلشویکی خیلی زود با انبوهی از مشکلات و مسائل جدی روبه‌رو شد. به‌رغم آن که بخش صنعتی روسیه پیشرفته بود، اما در واقع روسیه به لحاظ اقتصادی، کشوری عقب‌مانده محسوب می‌شد که در آن سال‌ها، به دلیل ناآرامی‌ها و ویرانی‌های جنگ، شرایطی نابسامان‌تر از پیش داشت. پیش از آغاز تابستان ۱۹۱۸ اپیدمی وبا پتروگراد را فراگرفت. در تمامی کشور مردم با کمبود شدید مواد غذایی دست و پنجه نرم می‌کردند. لنین در ۳۰ اوت ۱۹۱۸ در جریان یک ترور ناموفق به شدت زخمی شد. تنها کمی بعد از این رخدادها، کشور با هجوم بسیاری از قدرت‌های اصلی سرمایه‌داری، از جمله ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه روبه‌رو شد. این کشورها، به شکلی گسترده از ارتش سفید¹⁰¹ حمایت می‌کردند. نیرویی که به طبقه‌ی حاکم مخلوع روسیه وابسته بود و روسیه را وارد جنگ تمام‌عیار داخلی کرد. جنگ و درگیری‌هایی که به نابودی گسترده‌ی کشور انجامید.

جلد سوم زندگی‌نامه‌ی لنین، نوشته‌ی تونی کلیف¹⁰² با عنوان انقلاب محاصره‌شده¹⁰³، بهترین کتابی است که در توصیف این دوران نوشته شده است (چاپ اول: ۲۰۱۲). نویسنده‌ی این کتاب در جلد دوم زندگی‌نامه‌ی تروتسکی، با عنوان تروتسکی، شمشیر

انقلاب¹⁰⁴ همین دوران را مرور می‌کند؛ هرچند کوتاه‌تر و با شرح و بسطی کم‌تر (چاپ اول: ۱۹۹۰). در کتاب اول، یعنی انقلاب محاصره‌شده، خواننده به درک روشنی از وضعیت غیرقابل‌تصور که بلشویک‌ها در آن هنگام گرفتار شده بودند، می‌رسد. به بیانی دقیق‌تر، در می‌یابد که چگونه شرایط مادی، جنگ و فروپاشی اقتصادی، به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، انقلاب را در ساخت جامعه‌ای ناکام گذاشت که می‌خواست بر اساس ایده‌ی نظارت و کنترل کارگران شکل بگیرد.

کتاب پیروزی سرخ: تاریخ جنگ داخلی روسیه¹⁰⁵، نوشته‌ی بروس لینکلن¹⁰⁶ یک تاریخ‌نگاری متعارف و مرسوم قلمداد می‌شود. هر چند باید اعتراف کرد که خصومت آشکار نویسنده با انقلاب، به کار یا تلاش پژوهشی او ضربه زده است. برای نمونه، نویسنده در نخستین جمله، در وصف ماه‌های فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷، این دوران را یک «عیاشی زیادی‌خواهانه‌ی پرولتاریایی» نامیده است. به منظور مطالعه‌ی روایتی که خود تروتسکی از چگونگی سازمان‌دهی ارتش سرخ تا رهبری ارتش و مرحله‌ی پیروزی ارائه داده است، نگاه کنید به مجموعه‌ای با عنوان نوشته‌های نظامی تروتسکی¹⁰⁷ که نخستین بار در ۱۹۶۹ منتشر شد.

برخی روایت‌ها از شاهدان عینی آن دوران نیز در دسترس قرار گرفته که نشان می‌دهد روسیه در آن سال‌ها با چه مشکلاتی روبه‌رو بوده است. آرتور رنسام¹⁰⁸، روزنامه‌نگاری بریتانیایی بود که با منشی شخصی تروتسکی ازدواج کرده بود. او بعدها به‌عنوان نویسنده‌ی کتاب‌های کودکان مشهور شد. هر دو کتاب رنسام با نام‌های روسیه در ۱۹۱۹¹⁰⁹ و بحران در روسیه¹¹⁰ (۱۹۲۰) در ۱۹۹۲ توسط انتشارات ردوردز¹¹¹ بازچاپ شدند. هم‌اکنون نسخه‌های آنلاین این کتاب‌ها به راحتی در فضای اینترنت قابل دسترسی است. (مترجم: برای بارگذاری این دو کتاب به پانویس‌های شماره‌ی ۱۱۰ و ۱۱۱ مراجعه کنید.) برخی از مقاله‌های ویکتور سرژ¹¹² درباره‌ی همین دوران، در مجموعه‌ای با نام انقلاب در خطر، یادداشت‌هایی از روسیه ۱۹۲۱-۱۹۱۹ گرد آمده است. آلفرد رزمر¹¹³ سندیکالیستی فرانسوی بود که پس از انقلاب اکتبر به جنبش کمونیستی پیوست. او در اوائل دهه‌ی ۱۹۲۰ مرتب به شوروی سفر می‌کرد و مجموعه‌ای از خاطرات خود را در کتابی با نام مسکوی لنین¹¹⁴، در دهه‌ی ۱۹۵۰، منتشر کرده است.

از همان ابتدا، هم برای لنین و هم برای تروتسکی، روشن بود که انقلاب برای بقاء نیاز به پشتیبانی خارجی دارد. درباره‌ی این موضوع، لنین در مارس ۱۹۱۹ گفته بود: «حقیقت مطلق این است که بدون شکل‌گیری یک انقلاب در آلمان، ما نابود خواهیم شد.» آلمانی‌ها، «انقلاب فوریه» خود را در مارس ۱۹۱۸ تجربه کردند. انقلابی که به سقوط پادشاهی پروس و پایان جنگ جهانی اول انجامید. اما با این حال، و به‌رغم چند سال بی‌ثباتی سیاسی، رخدادی همتای انقلاب اکتبر در آلمان تکرار نشد. در سایر کشورها نیز به‌رغم آن که انقلاب اکتبر الهام‌بخش پیکارها، اشغال کارخانه‌ها و حتی تشکیل شوراهای کارگری بود، اما در نهایت به یک انقلاب موفق طبقه‌ی کارگر نیانجامید.

در خود روسیه، ارتش سرخ به رهبری تروتسکی، در نهایت موفق شد ضدانقلاب را شکست دهد، اما تنها پس از پرداخت هزینه‌های انسانی و مادی هنگفت. کمبود مواد غذایی به کوچ جمعی از شهرنشین‌ها به روستاها منجر شد و شمار کارگران در مناطق شهری از سه میلیون نفر، به یک میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر کاهش یافت. هزاران تن از وفادارترین مبارزان طبقه‌ی کارگر جان خود را در جریان جنگ‌های داخلی از دست دادند. ترکیبی از انزوا و محاصره‌ی بین‌المللی، کمبودها و فروپاشی طبقه‌ی کارگر روسیه، دستاوردهای انقلاب اکتبر را با خطر مواجه کرد. در انقلاب و ضد انقلاب¹¹⁵، نوشته‌ی کوین مورفی¹¹⁶، نویسنده نشان می‌دهد که تا اواخر سال ۱۹۲۷، هنوز در برخی از مناطق کشور، کارگران نظارت و کنترل چشمگیری بر روند تولید کارخانه‌ها داشتند. اما در بسیاری مناطق دیگر، قدرت کارگران مدت‌های مدیدی بود که فقط به شعاری انتزاعی و توخالی تبدیل شده بود. سطح بحث‌های داخلی شوراهای نیز بیش‌تر به گپ‌وگفت در خواروبارفروشی‌ها شبیه بود.

بلشویک‌ها در شرایط وخیم جنگ داخلی و در دوران بعد از آن، به این ارزیابی رسیدند که به ناچار باید فعالیت آن دسته از احزاب سیاسی که از انقلاب انتقاد کرده‌اند و نیز برخی دیگر که آشکارا از ضدانقلاب حمایت می‌کنند را غیرقانونی اعلام کنند. هر چند قدرت‌های سرمایه‌داری غربی قادر نبودند که دولت کارگری روسیه را درهم بشکنند، اما شرایط را برای فروپاشی درونی آن ایجاد کردند، شرایطی که خود را در تنش‌های حاد و گاهی نیز خشونت‌آمیز میان طبقه‌ی کارگر و دهقانان روسیه نشان داد.

هم‌زمان با از بین رفتن شوراهای دموکراتیک، حزب کمونیست هم زیر کنترل بوروکراسی جمعی کارمندان تمام‌وقت و اپورتونیست‌ها از میان رفت. شخص استالین که هیچ نقش مهمی در جریان انقلاب اکتبر نداشت، خودش را تا دبیرکلی حزب بالا کشید. موشه لوین¹¹⁷ در *واپسین نبرد لنین*¹¹⁸ نشان می‌دهد که لنین چگونه در ماه‌های واپسین زندگی سیاسی‌اش علیه دیوان‌سالاری روزافزون انقلاب مبارزه کرده است. در این راستا می‌توان به متنی که لنین در حمایت از جایگزینی استالین با شخصی دیگر در مقام دبیرکلی حزب نوشته بود، اشاره کرد.

لنین در سال ۱۹۲۲ چند بار سکنه کرد. او در اوایل سال ۱۹۲۳ به لحاظ فیزیکی دیگر ناتوان شده بود و تلاش‌ها برای کنار گذاشتن استالین نیز ناکام ماند. حزب کمونیست حتی قبل از مرگ لنین در ژانویه ۱۹۲۴، ماهیت بسیار متفاوتی در مقایسه با تشکیلات کارگری ۱۹۱۷ پیدا کرده بود.

استالین در خلال دهه‌ی ۱۹۲۰ توانست رقبای سیاسی خود را از پای درآورد. او تا سال ۱۹۲۸ دیگر به حاکمی مطلق تبدیل شده بود. واپسین دستاوردهای انقلاب از میان رفت و آن دسته از اعضای بلشویک، گارد قدیم¹¹⁹، نیز که هنوز زنده بودند، همگی حذف فیزیکی شدند. روسیه برگرده‌ی طبقه‌ی کارگر روسیه و دهقانان این کشور صنعتی شد، اما در این میان میلیون‌ها انسان هم جان خود را از دست دادند. رودی از خون میان دیکتاتوری استالین و سال‌های اول انقلاب اکتبر فاصله انداخت. همین ثابت می‌کند که ظهور استالین را باید به‌مثابه پیروزی ضدانقلاب دانست و نه تداوم انقلاب بلشویک‌ها، همان‌طور که ویکتور سرژ¹²⁰ نیز در کتاب *خود از لنین تا استالین*¹²¹ این مسئله را بررسی کرده است.

کریس هارمن¹²² در مقاله‌ای در سال ۱۹۶۷ با عنوان *روسیه: انقلاب چگونه از دست رفت؟*¹²³، طرحی کلی از عوامل اساسی شکست نهایی انقلاب اکتبر را ارائه می‌کند. این یادداشت در مجموعه‌ی یادداشت‌هایی با عنوان *روسیه: از دولت کارگری تا سرمایه‌داری دولتی*¹²⁴، همراه با چند نوشته‌ی دیگر از آنتونی آرنو¹²⁵ و دیگران بازچاپ شده است. نیل فالکنر¹²⁶ نیز در جلد سوم *تاریخ مردمی انقلاب روسیه* به این عوامل اشاره کرده است.

هم هارمن و هم فالکنر از تحلیل مادی و مارکسیستی تروتسکی درباره‌ی ظهور بوروکراسی استالینیستی در کتاب *انقلابی که به آن خیانت شد*¹²⁷ (چاپ اول: ۱۹۳۶) بهره برده‌اند. با این حال، هر دوی آن‌ها با این ادعای تروتسکی که شوروی دهه‌ی ۱۹۳۰ هنوز آشکالی از دولت کارگری را در خود حفظ کرده بود مخالف هستند. در برابر چنین برداشتی، هر دو بر این نظر تأکید داشتند که بوروکراسی در شوروی خود را به طبقه‌ی حاکم جدیدی بدل کرده است.

آیا شکست «انقلاب اکتبر» اجتناب‌ناپذیر بود؟ از نظر من این گونه نبود. ولی می‌خواهم کلام پایانی را به سرژ واگذار کنم: «معمولاً این طور می‌گویند که نطفه‌ی تمامی استالینیسم از همان ابتدا در خود بلشویسم بوده است. بسیار خُب؛ مخالفتی ندارم. اما بلشویسم حامل نطفه‌های دیگری نیز بوده است! در واقع توده‌ای است از سایر نطفه‌ها. آنانی که شور و شوق سال‌های نخستین انقلاب پیروزمند سوسیالیستی را زیسته‌اند، نباید آن را فراموش کنند. این کار مانند این است که برای دوری درباره‌ی انسانی زنده، به سراغ عوامل مرگ او برویم. عواملی که از بدو تولد در بدن او بوده است و اکنون کالبدشکافی جسد او را برابر چشمان ما قرار داده است. آیا چنین کاری خردمندانه است؟»

پنج منبع اصلی برای مطالعه

در این بررسی، به منابع زیادی ارجاع داده شد. همه کتاب‌ها و مقاله‌های یادشده راهگشا هستند؛ اما پنج کتاب اصلی که توصیه می‌کنم از این قرار است:

۱. تاریخ انقلاب روسیه، لئون تروتسکی
۲. ده روزی که جهان را لرزاند، جان رید
۳. سال اول انقلاب روسیه، ویکتور سرژ

۴. بلشویک‌ها به قدرت می‌رسند، الکساندر رابینوویچ
۵. تاریخ مردمی انقلاب روسیه، نیل فالکنر

* این مقاله ترجمه‌ای است از متن زیر در

<https://isreview.org/issue/105/russian-revolution-brief-reading-guide>

یادداشت‌ها:

1. Ahmed Chawki
2. 80 Years Since the Russian Revolution
3. Neil Faulkner
4. A People's History of the Russian Revolution
5. October 1917: Workers in Power
6. Paul Le Blanc
7. Ernest Mandel
8. David Mandel
9. Competing Voices from the Russian Revolution
10. Michael C. Hickey
11. David King
12. Red Star over Russia: A Visual History of the Soviet Union from the Revolution to the Death of Stalin
13. Trotsky: A Photographic Biography
14. History of the Russian Revolution
15. Erikson
16. Vyborg
17. Sampsonievsky
18. Benyamin Nikolayevich Kayurov (1876 – 1936)
19. John Reed (1887 –1920)
20. Ten Days that Shook the World
21. Six Red Months in Russia
22. Louise Bryant (1885-1936)
23. Maria Spiridonova(1884-1941)
24. Left Socialist Revolutionists
25. Alexandra Kollontai (1872-1952)
26. Sergey Mstislavsky(1876-1943)
27. Five Days Which Transformed Russia
28. Morgan Philips(1902 –1963)
29. Manchester Guardian
30. Capitalist Europe and Socialist Russia
31. The Russian Revolution 1917: A Personal Record

32. Nikolai Sukhanov (1882-1940)
33. Mensheviks-Internationalists
34. Executive Committee of the Petrograd Soviet
35. Tony Cliff (1917–2000)
36. All Power to the Soviets: Lenin 1914-1917
37. Alexander Rabinowitch
38. The Bolsheviks come to power
39. The Lessons of October
40. Lenin Collected Works
41. The April Theses
42. The Tasks of the Proletariat in our Revolution
43. War and Revolution
44. The Bolsheviks Must Assume Power
45. Can the Bolsheviks Retain State Power?
46. The Immediate Tasks of the Soviet Government
47. Left-Wing Childishness and the Petty-Bourgeois Mentality
48. Theses On The Present Political Situation
49. Lenin and the Revolutionary Party
50. Paul Le Blanc
51. Leninism Under Lenin
52. Marcel Liebman (1929-1986)
53. Unfinished Leninism: The Rise and Return of a Revolutionary Doctrine
54. Steve A. Smith
55. Red Petrograd: Revolution in the Factories 1917–18
56. David Mandel
57. The Petrograd Workers and the Fall of the Old Régime: From the February Revolution to the July Days, 1917
58. The Petrograd Workers and the Soviet Seizure of Power: From the July Days 1917 to July 1918
59. Petrograd in 1917: The View From Below
60. Daniel H Kaiser
61. Midwives of Revolution: Female Bolsheviks and Women Workers in 1917
62. Jane McDermid
63. Anna Hillyar
64. Nadezhda Krupskaya(1869-1939)
65. Alexandra Kollontai(1872-1952)
66. Megan Behrent
67. Education, Literacy, and the Russian Revolution, in ISR 82, March-April, 2012
68. Bolshevik Visions: First Phase of the Cultural Revolution in Soviet Russia
69. William G. Rosenberg
70. The Culture of a New Society: Ethics, Gender, the Family, Law, and Problems of Tradition
71. Women, the State and Revolution: Soviet Family Policy and Social Life,1917–1936

72. Wendy Goldman
73. The Baba and the Comrade: Gender and Politics in Revolutionary Russia
74. Elizabeth A. Wood
75. Dr. Grigory Batkis
76. Moscow Institute for Sexual Hygiene
77. Dan Healey
78. Homosexual Desire in Revolutionary Russia
79. Victor Serge
80. Year One of the Russian Revolution
81. William G. Rosenberg
82. Creating Soviet Cultural Forms
83. Abbott Gleason(1938-2015)
84. Bolshevik Culture: Experiment and Order in the Russian Revolution
85. John Milner
86. Russian Revolutionary Posters: From Civil War to Socialist Realism, From Bolshevism to the End of Stalinism
87. David King
88. Theses on the National Question
89. Critical Remarks on the National Question
90. The Right of Nations to Self-Determination
91. The Revolutionary Proletariat and the Right of Nations to Self-Determination
92. Dominant Countries
93. Oppressed Nations
94. John Riddell
95. See the Dawn: Baku, 1920—First Congress of the Peoples of the East
96. Workers of the World and Oppressed Peoples, Unite! Proceedings and Documents of the Second Congress of the Communist International, 1920
97. Jeremy Smith
98. The Bolsheviks and the National Question
99. Eric Blanc
100. Anti-Imperial Marxism
101. «ارتش سفید» (The White armies) در واقع اتحادی از نیروهای نظامی ضدکمونیست بود. این نیروها، در جریان جنگ داخلی، عملیات‌های پرشماری را چه در داخل و چه در خارج از مرزهای روسیه علیه دولت بلشویکی ترتیب دادند. چنین برآورد می‌شود که در جریان جنگ داخلی روسیه دو میلیون نفر کشته شده باشند. (مترجم)
102. Tony Cliff(1917-2000)
103. Revolution Besieged: Lenin 1917–1923
104. Trotsky: The Sword of the Revolution 1917–1923
105. Red Victory: A History of the Russian Civil War
106. W. Bruce Lincoln(1938-2000)
107. Trotsky's Military Writings
108. Arthur Ransome(1884-1967)
109. Russia in 1919

110. The Crisis in Russia
111. Redwords
112. Victor Serge (1890-1947)
113. Alfred Rosmer (1877-1964)
114. Lenin's Moscow
115. Revolution and Counterrevolution: Class Struggle in a Moscow Metal Factory
116. Kevin Murphy
117. Moshe Lewin (1921-2010)
118. Lenin's Last Struggle
119. Old Bolshevik Guard
120. Victor Serge(1890-1947)
121. From Lenin to Stalin
122. Chris Harman (1942-2009)
123. Russia: How the Revolution was Lost
124. Russia: From Worker's State to State Capitalism
125. Anthony Armove
126. Neil Faulkner
127. The Revolution Betrayed.